



پایه فرهنگ سازی پسود

نکات و فنون تبلیغی تغییرنگرش
نسبت به دغدغه جمعیت

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علی ابوترابی



صحیفه ۱۶
ایران جوان ۲، پاییز ۱۳۹۴

فنون تبلیغی تغییر نگرش نسبت به جمعیت
گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علی ابوترابی (زیدعزه)
در همایش ملی تبلیغ و جمعیت، مهر ماه ۱۳۹۳، مشهد مقدس

صفحه آرا: حسن ناصری

طراح جلد: سید مجتبی نبی زاده

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



ستاد مرکزی ایران جوان

نشانی: مشهد، خیابان امام خمینی (ره)، بین

امام خمینی (ره) ۴۸ و ۵۰، پلاک ۹۰۴

تلفن: ۰۵۱ - ۳۸ ۵۵ ۸۸ ۰۱۴



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

سامانه پیامک: ۳۰۰۰ ۱۵۴۲

پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

بسم در یعنی لبم

مقدمه

حرکتی مخالف این حرکت شکل بدهیم. بنابراین کار بسیار دشواری است و طرف شدن با تفکر مردم در این زمینه بحث راحتی نیست.

اولین مسئله، انگیزش خود سخنگو و مبلغ است، یعنی هم باید خود مبلغ قانع شده باشد و هم انگیزه داشته باشد.

مباحث آماری زیادی در اجتماع مطرح هست و برای شفاف تر شدن وضعیت آماری به بعضی از احوالات اجتماعی اشاره می شود.

تا زمانی که مؤسسه جمعیت شناسی آسیا و اقیانوسیه

موضوع بحث، فنون تبلیغی و روان شناختی در مورد تغییر نگرش نسبت به مسأله جمعیت هست، نگرش نسبت به تغییر جمعیت فراتر از یک بحث شناختی است. نگرش یعنی یک تفکری که همراه با مباحث فکری، حالتی از عاطفه و بعد از آن همراه با یک رفتار باشد.

تفکری سی سال نهادینه شده و سبک زندگی هم به آن کمک کرده و راحت طلبی مردم هم آن را تبدیل به یک حرکت طبیعی کرده است؛ حالا ما باید بالاجبار

این آمارها را برای سران نظام توضیح نداده بودند، آن مجموعه‌هایی که مسئول بودند با چراغ خاموش جلو می‌رفتند. عده‌ای هم به نفع سیاست‌هایی رصد می‌کردند که اگر نگوئیم همه مغرضانه بود، بعضاً جاهلانه و یا غافلانه انجام می‌شد.

در نرخ باروری کل بین $1/6$ و $1/8$ اختلاف است که می‌توان میانگین آن‌ها یعنی $1/7$ را در نظر گرفت. نرخ باروری کل یعنی سهم هر زنی که شأنیت مادرشدن را دارد چقدر است؟! الان سهم هر زن $1/7$ است، یعنی به دو بچه هم نمی‌رسد. این آمار میانگین است، مثل اینکه در معدل یک دانش‌آموز اگر معدلش ۱۵ باشد نمی‌شود گفت حتماً پیشرفت می‌کند، چون باید ببینیم نمرات دیگرش چیست؟ ممکن است ریاضی را ۸ و ورزش را ۱۸ آورده باشد. این نوع آمارها، آمارهای خوبی نیستند، بلکه باید واریانس و پراکندگی را در نظر گرفت.

اگر در همین میانگین، به دو موضوع دقت کنیم یک مقدار اوضاعمان شفاف‌تر می‌شود.

نکته اول، رشد چند برابری استان‌های پیرامونی ماست؛ اگر یک تأملی در استان‌های مرزی مانند خراسان رضوی و خراسان جنوبی و گلستان و اردبیل و آذربایجان غربی و کردستان و خوزستان و بوشهر و

کرمان و سیستان و بلوچستان داشته باشیم متوجه می‌شویم که همه مرزهای پیرامون ما اهل سنت هستند. روحانیونی که برای تبلیغ به این استان‌ها می‌روند بهتر از مراکز آماری آمار را می‌دانند، چون در مراکز آماری در استان‌هایی مثل استان‌های پیرامونی ما نرخ رشد سالانه را محاسبه کرده‌اند و نرخ باروری کل در استان‌ها و قومیت‌ها و قبیله‌ها و مذاهب اصلاً لحاظ نشده‌است. اگر نرخ رشد سالانه از آن کم شود آنگاه مشخص خواهد شد که در استان‌های مرکزی و شیعی سهم یک مادر $1/5$ هم نیست کما اینکه در تهران می‌گویند سهم هر مادر ۱ هست.

نکته دوم برای تبیین آماری این است که وقتی می‌گویند سهم یک مادر $1/5$ هست، مفهومش این است که بعضی از مادرانی که در دو-سه‌دهه پیش ازدواج کردند و چهار-پنج فرزند دارند، بنابراین چهارتا خانم دیگر فرزندی ندارند که میانگین‌شان با این که پنج فرزند دارد در استان‌های مرکزی و شیعی یک شده‌است. دوباره تبیین این مسئله این است که احتمالاً آن خانمی که چند فرزند دارد برای چند دهه پیش است و این خانم‌هایی که فرزندی ندارند طبقه وسیعی از بانوانی هستند که در دهه اخیر ازدواج کردند. از این مطلب چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

نرخ رشد
جمعیت
تا سال ۱۴۱۵
به حدود صفر
می رسد



رودن کنونی در کنترل موالید سبب خواهد شد که تعداد موالید از اموات کمتر شود و
چشمگیری جمعیت رخ ندهد. در نتیجه، نرخ رشد جمعیت ایران در سال ۱۴۱۵ به ۰/۰۲
درصد خواهد رسید و متسلسله از سال ۱۴۲۰ رشد منفی را تجربه خواهد کرد؛ همان
چیزی که امید دشمنان را به انقراض تدریجی اسلام اصیل، امیدوار می سازد.



نتیجه می‌گیریم که ما، در سه دهه آینده یعنی در ۱۴۰۴ که چشم‌انداز جمهوری اسلامی هست اساساً برای سه دهه تولید جمعیت نداشتیم، یعنی از نرخ باروری ۶/۵ که در سال ۶۵ بوده به ۱/۲ رسیدیم و نرخ کشوری‌اش با احتساب اهل سنت و خانم‌های مسن‌تر و لحاظ باقی مسائل ۱/۶ می‌شود.

-

در توضیح این مسئله چند ساختار اساسی قابل توجه است که پیچیدگی کار را می‌رساند؛ طبق آمار رسمی، یک و نیم میلیون نفر توسط وزارت بهداشت عقیم شدند، این غیر از بخشی است که در مراکز خصوصی انجام می‌شود. چون مسئله عقیم‌سازی و وازکتومی و امثال این‌ها مسئله‌ای است که با حیای افراد مرتبط می‌باشد طبعاً خیلی از افراد در مراکز عمومی عقیم نشدند و به مراکز خصوصی مراجعه کردند که آمار دقیقی از آن در دست نیست.

جدای از آن ما در بین جوانانی که ازدواج کرده‌اند بیست درصد، آمار عقیمی ذاتی داریم، البته مفهوم عقیمی آن مفهوم مصطلح عرفی نیست، منظور کسانی

است که برای یک سال با هیچ روشی جلوگیری نکنند و فرزنددار هم نشوند. این آمار در جهان یک آمار متمایزی است. صرف نظر از اینکه ادله علمی این مسأله چیست آنچه قطعی هست این است که رشد عقیمی در ایران در مقایسه با سطح جهان یک مسئله معنادار هست و این یکی از مشکلات ماست. ما در سال یک‌میلیون و چهارصد و پنجاه‌هزار موالید و حدود پانصد هزار مرگ‌ومیر داریم که مابه‌التفاوتش حدود ۹۰۰ هزار نفر می‌شود، اگر نسبت به ۷۵ میلیون نفر حساب کنیم یعنی ما در سال ۱/۲۹ رشد داریم.

مطلب دیگر اینکه آمار مرگ‌ومیر قبل از تولد اعم از سقط‌های قانونی و سقط‌های غیرقانونی و اختلالات جنینی روز به روز در حال گسترش است. طبق آمار دکتر مطلق مدیر کل سلامت و خانواده وزارت بهداشت، سالانه هشتصد و پنجاه‌هزار سقط اتفاق می‌افتد که آمار بسیار تکان‌دهنده‌ای است.

آمار قابل توجه دیگر این است که ما ۲۲ میلیون زن در سن باروری داریم و به قول بحث‌های فقهی کسانی که در «سنّ منّ تحيض» هستند یعنی ۱۵ تا ۴۹ سال دارند که در بحث‌های جمعیت‌شناسی بر محور زنان بسته می‌شود و در این سن از این ۲۲ میلیون نفر، ۷/۵ میلیون نفر ازدواج نکردند. از طرفی فقط در آمار طلاق بین سال ۸۵ تا ۹۰ رشد بیوه‌گی بر اثر طلاق ده‌برابر بیوه‌گی بر اثر فوت همسر بوده‌است، هفت در صد بیوه‌گی بر اثر فوت همسر و هفتاد درصد بر اثر طلاق رخ داده‌است. این وضعیت، ساختار را دچار مشکل کرده‌است. لذا برژنسکی می‌گوید نیازی به برخورد نظامی با ایران نیست، فقط یک بازی طولانی با ایران داشته باشید، علتش این است که نقشه‌های جمعیتی دارد مرگ ایران را می‌رساند و علیه رژیم فعلی تغییرات اساسی رخ می‌دهد.

اگر در تعبیر حضرت امام و مقام‌معظم رهبری در طول مدّت رهبری‌شان دقت کنید و تحلیل محتوا کنید متوجه خواهید شد که در هیچ موضوعی با این ادبیات و با این کلمات صحبت نکردند! فرمودند: همه مسئولان باید استغفار کنند. فرمودند: غفلت شد. فرمودند: ما باید خطای مسئولان را جبران کنیم. فراتر از این می‌فرمایند: وقتی انسان عمق مسئله را فکر می‌کند تن انسان می‌لرزد. ایشان در مورد تهدیدات آمریکا، تهدیدات اقتصادی، تحریم‌ها و همه مسائلی که تاکنون نظام را تهدید کرده چنین تعبیری را به کار نبرده‌اند که بگویند تن انسان



مآیاش

پیغ و جم

ی حرکت های تبلیغی

با حضور



می‌لرزد. وقتی جمعیتی نباشد بر نامه‌ریزی‌های فرهنگی، تمام پست‌های صنعتی و قدرت‌ها و کرسی‌های نرم‌افزاری که در دانشگاه‌ها ایجاد کردیم، تمام این‌ها در سه دهه آینده به ضررمان تمام می‌شود. زیرا هر چه در درون کشور کاهش جمعیت داشته باشیم جمعیت شهرهای پیرامونی افزایش پیدا می‌کند و آن افرادی که تحت تأثیر جریان‌ات سیاسی فرامرز هستند با تمام قدرت وارد صحنه می‌شوند یا اینکه مجبوریم به سیاست مهاجرت و مهاجرپذیری روی بیاوریم که در تدابیر مقام معظم رهبری در سیاست‌های ۱۲ گانه سران قوا که ابلاغ فرمودند نیز به آن اشاره شده‌است. آن وقت تازه مثل کشور استرالیا یا کشورهای اروپایی می‌شویم تا نابود نشویم و اینکه سر مسائل فرهنگی و اقتصادی ما چه خواهد آمد خدا می‌داند.

به همین جهت رهبر معظم انقلاب این موضوع را به تمام اقشار متذکر شده‌اند حتی ماها را دعوت کرده و برای آن‌ها صحبت کردند و در جلسهای که با کمیته علمی همایش تغییرات جمعیتی داشتند گله فرمودند که من مرتب می‌گویم ولی فرهنگ‌سازی تعطیل است و این مسئله هم اگر فرهنگ‌سازی نشود اثر نخواهد کرد، بنابراین باید کار شود.

مسائل کلیدی در مسئله تبلیغ:

۱- تأثیر در مخاطب

اولین مسئله این است که اشکالات و شبهات متفاوتی در مقابل تبلیغ شما مطرح می‌شود که بعضی علمی‌تر و بعضی عرفی‌تر و بعضی عوامانه‌تر هستند، لذا گمان می‌شود که تبلیغ اثر نمی‌کند. مثلاً اشکال می‌کنند آن وقتی که گفتید جمعیت را کم کنید فراموش کردید؟! یا می‌گویند نفس‌تان از جای گرم بلند می‌شود شما که می‌دانید پوشاک کودک از بزرگ‌سال گران‌تر است! و امثال این حرف‌ها و اشکالات که مطرح هست. در مباحث تغییر نگرش گاهی مخاطب و مستمع ساکت است، نگاهش به متکلم هست و هیچ چیزی هم نمی‌گوید، در پایان تشکر هم می‌کند و می‌رود. مثل قضیه امر به معروف و نهی از منکر؛ یک چیزهایی گفته می‌شود، مردم هم یک سری کلیاتی می‌شنوند و هیچ کس هم عمل نمی‌کند. اما گاهی بحثی است

که درگیری ایجاد می‌کند، دارد اندیشه مردم متفاوت می‌شود و چالش ذهنی به وجود می‌آید، هرگاه این ایده و اندیشه جدید با اندیشه ثابت‌شده قبلی درگیر شوند نتیجه‌اش اضطراب و اظهار مخالفت مخاطب است. این یعنی دارد اثر می‌کند، بنابراین مخالفت آن‌ها مهم نیست. به تعبیر قرآن «**یخشونه و لایخشون احدا الا الله**» ترس از خدا دارند و از کس دیگری نمی‌هراسند. بالاخره خطایی رخ داده و باید سهم خودمان را بپذیریم، مردم می‌گویند: خودتان تبلیغ کردید؟

می‌گوییم بله، دو جواب دارد:
یک: اولاً آن وقت بحث افزایش جمعیت بی‌رویه بود بنابراین قرار بود تا سطح ۴ فرزند بیاید.
دو: رصد نکردیم و اشتباه کردیم، می‌پذیریم. «**استغفروا ربکم**»، این کلام مردم را برای شنیدن متواضع می‌کند.

منتها برخلاف ادعای عموم پایه این که مردم فرزندآوری را کاهش دادند پول و مسائل اقتصادی نبود، بلکه یکی از مبانی اصلی‌اش احساس حقارتی بود که یک زن از اینکه فرزند دوم یا سومش به دنیا بیاید داشت. در روایتی ذکر شده است که در آخرالزمان به کمی فرزند به همدیگر مباحثات می‌کنند.

۲- برنامه ریزی بلندمدت

نکته دوم این هست که استراتژی کار به این نیست که بسیار سریع و در یک فرصت کمی بطور کامل جبران مافات بشود. مقام معظم رهبری هم با توجه به همین نکته فرمودند: سرانجام کار را نزدیک قرار ندهید. نباید توقع داشت که دوساله همه چیز تغییر کند، چنین چیزی تقریباً محال است. سی سال به این صورت و آن هم با میل مردم کار شده‌است، راحتی و رفاه و اشتغال و سبک زندگی مردم هم همگی کمک‌کننده و مؤید همین صورت بود، حالا بخواهیم آن را به صورت دیگری برگردانیم کار آسانی نیست! منتها استراتژی کار به این است که اگر شما اثربخش بودید در اینکه اندیشه‌های را تغییر بدهید و در نتیجه اندیشه‌های که تغییر دادید یک بچه به دنیا آمد «**ملوود**» **فی امتی احبُّ اِلَیَّ منْ اَنْ یكونَ لی ما طلعت علیه الشمس**» این ارزشمند است. می‌فرماید **ملوود**؛ همین یک‌دانه روحیه می‌دهد و اساساً لازم نیست در جلسه بگویند قانع شدیم، این بذر تفاوت ذهنی در ذهن مردم کاشته خواهد شد و بحث پیش خواهد رفت.

۳- استفاده از پایگاه دینی برای بیان اهمیت مسأله

نکته دیگری که می‌توان بعنوان یکی از فنون راهبردی قرار داد تبیین نگرش دینی است. جامعه‌شناسان بر این باورند که کمک‌کردن مراجع و حوزه‌های علمیه یک از اساسی‌ترین محورهای کاهش جمعیت در ایران بوده‌است. استفتائات مختلفی انجام می‌شد که بسیاری از آن‌ها در نوع سؤال دروغ بود، مثلاً این‌گونه سؤال را مطرح می‌کردند که در واز کتومی نه لمس و نظر لازم می‌آید و نه موجب عقیمی می‌شود، بنابراین مراجع هم فتوا می‌دادند اگر یک‌چیز موقت است و لمس و نظر هم در آن نیست پس اشکالی ندارد، اما بعد مشخص می‌شد که سؤالشان خلاف واقع بوده‌است. بنابراین فکر نکنیم استفاده از پایگاه دینی اثر نمی‌کند، منتها در این زمینه باید خود مفاد آیات و روایات و سیره مسئله مشخص شود.

ممکن است این شبهه مطرح نشود که در زمان گذشته اگر یک فردی، بچه‌ای داشت آن فرزند کمک اقتصادی‌اش بود اما اکنون اینگونه نیست. چندی پیش بمناسبت سالروز ازدواج حضرت علی (علیه السلام) و حضرت

زهرا (علیها السلام) یکی از بزرگان به تلویزیون آمده بود، آن مجری از ایشان خواست یک بحث جمعیتی را مطرح کنند، ایشان یک صحبتی کردند ولی در نتیجه‌گیری خراب کردند، گفتند فرزند و اولاد زمان قدیم بازو بود اما الآن نان‌خور است. حُب این یک شبهه دینی است.

اما حقیقت این‌گونه نیست، روایات ما آن زمان هم تشویق به فرزندآوری می‌کردند که نترسید، خدا کمکتان خواهد کرد. در روایات متعددی اشاره شده که فرزندآوری چه پاداش‌هایی دارد و فرزندان در امنیت شما، آرامش شما، اقتصاد شما، رزق شما و عاطفه شما این آثار را دارد. مقصود اینکه اصل نظریه دینی باید شفاف شود.

شبهه دیگری که ممکن است در بحث تعدد فرزند مطرح شود این است که روایت «**قَلَّةُ الْعِيَالِ** احداليسارين» را چگونه توجیه کنیم؟! بعضی‌ها فکر می‌کنند جواز جلوگیری دال بر رجحان جلوگیری

من روزی مو میارم!



برای امام نوشت: چند سال است از وایج کرده‌ام و صاحب فرزند نمی‌شوم.
همسرم خوشش نمی‌آید اجازه نمی‌دهد، می‌گوید بزرگ کردنش سخت است.
اسام کاظم علیه السلام در جواب فرمودند:
به دنبال فرزند برو: خدا اولاد روزی اش را می‌رساند.
و سال نشیبه، جمله ۱۵، ابواب حکیم، ۱۹۹۰، پاریس

است. حداقل روی مباحث دینی در بخشی از مردم می‌توان اثرگذار بود. بالاخره فرزندآوری «حُفَّتِ بِالْمَكَامِ» هست یعنی مشکلات دارد و پایگاه دینی می‌تواند در این زمینه کارساز باشد.

از لحاظ روان‌شناختی سه مسئله در بحث کاهش فرزند اثر داشته‌است:

یک، لذت‌گرایی است. دوم، سبک زندگی است. سوم، احساس حقارت است.

اگر سی سال قبل یک خانم باردار ایرانی که از وضعیت ظاهری‌اش معلوم است که باردار است سوار تاکسی می‌شد چه احساس فخری می‌کرد و مردم چه احترامی می‌گذاشتند اما در سال‌هایی که تبلیغات کاهش جمعیت گسترده بود و تحقیر جمعیت می‌کردند چه وضعیتی داشتند! در ورودی شهرها عکس می‌زدند که بیش از دو فرزند خیانت است، در کتاب‌ها تبلیغات و اثرگذاری می‌کردند، به کودک سوم ابتدایی می‌گفتند یک انشاء بنویس در مورد خانواده‌ای که بیشتر از دو یا سه بچه دارد و در این انشا آن‌ها را تحقیر و مسخره کن.

هر سه محور باید با نگرش دینی تغییر کند و صرفاً نگرش‌های اقتصادی اثرگذار نیست.

۴- تداوم در تبلیغ

بحث دیگر این است که وقتی یک جَوّ ذهنی محکم ساخته شد که شکستن آن از شکست بتن محکم‌تر است، اگر چه مقابله با آن خیلی آرام‌آرام اثر می‌کند ولی ناگهانی می‌شکند. درست مثل اینکه در یک بیابانی که باد هم می‌آید همیزهایی را جمع می‌کنید و شاخه‌شاخه کبریت‌ها را آتش می‌زنید که بگیرد، شاید دو سه ساعت معطل شوید ولی یکی دو تا همیز ناگهان گر می‌گیرد، چون اینجا مکانیزم دفاع ادراکی هست، مکانیزم دفاع ادراکی یعنی اینکه چون برای فرد اضطراب و تنش بوجود می‌آید در بعضی موارد سعی می‌کند که نفهمد ولی کم‌کم که این مباحث در اجتماع مطرح شد و یک خانم دکتر که فوق تخصص دارد صاحب هشت فرزند می‌شود، یک متفکر اجتماعی اقدام به طرح مسأله می‌کند و یک متفکر بحث اقتصادی این‌گونه مطرح می‌کند که افزایش جمعیت از اسباب توسعه اقتصادی است موجب اثرگذاری در تمام جامعه می‌شود. بنابراین وظیفه ما مداومت و تکرار و گفتن است.

۵- دقت در شیوه تفهیم مخاطب

نکته دیگری که در مسئله وجود دارد این است که ما به چه شکلی وارد بحث شویم، به دو صورت می شود بحث را مطرح کرد:

صورت اول بحث مستقیم هست، بالاخره در منبرها می شود یک شب هم در مورد این موضوع صحبت کرد، می توان مستقیم وارد این بحث شد که یکی از مباحث دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی که امروزه مطرح می شود بحث جمعیت است و بخش های مختلفش را باز گو کرد.

یک شاخه دیگر هم برای کاهش حساسیت یا برای اینکه بتوانیم بیشتر صحبت کنیم شاخه های مرتبط با این مسئله است. بحث ازدواج یکی از امور مرتبط هست، یکی از دلایل کاهش جمعیت افزایش سن ازدواج است، یا مثلاً در سبک زندگی، همراهی تحصیل

و ازدواج و فرزندآوری برای خانم ها یکی از مسائل هست.

زمینه بحث های تربیتی در تربیت دینی نیز همین مسئله هست، هرگاه شما وارد بحث های تربیتی شوید ناچارید وارد بحث فرزند شوید، وارد بحث فرزند که شدید وارد بحث تعدد فرزند خواهید شد. یا در بحث جایگاه فرزند در نظام دینی، ممکن است هیچ اشاره ای به بحث جمعیت نکنید، اما وقتی خواص فرزندآوری گفته می شود که «**لَا بَرَكَةَ فِي بَيْتٍ لَا صَبِيَانَ فِيهِ**»، انسان فکر می کند هیچ راهی نزدیک تر از این برای نیل به رضایت الهی و بهشت خداوند نیست.

بخاطر احساس حقارتی که آن‌ها تحسین کردند بود گاهی یک خانمی آرزو می‌کرد ای کاش بچه‌اش در شکم می‌مرد. روایت است وقتی یک خانمی بچه به دنیا می‌آورد فرشته بر او نازل می‌شود و به او می‌گوید: «إِسْتَأْنَفِي» زندگی را از نو آغاز کن. یک‌شب بچه تب می‌کند، غفران ذنوب والدین است. در حدیث دارد دغدغه آینده فرزندان «جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ» هست. یک بوسه از فرزند ارتقاء ۵۰۰ ساله درجات بهشتی فرد را به دنبال دارد. تا اینکه به جایی می‌رسد که می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُرْحَمُ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدَهُ»، از نگاه بامحبت، از زحماتی که برایش می‌کشند تا بیماری‌اش تا لحظه لحظه‌ای که مادر در بارداری است برای همه‌ی این‌ها روایت دارد.

تحکیم خانواده، طلاق، تدبیر معاش، جایگاه فرزندان، بحث‌های اقتصادی از نگاه سبک زندگی اسلامی و غیره را وقتی مطرح می‌کنید این‌ها بحث‌های غیرمستقیمی است که می‌تواند به همین موضوع منجر شود و بحث را برای ما تسهیل کند.

۶- بیان مسأله از طریق نکات عاطفی

یک نکته بیان نکات احساسی است. هنگامی که بحث‌های معرفتی، آموزه‌های اقتصادی، آموزه‌های جمعیت‌شناسی و غیره گفته می‌شود تازه شناخت فرد تغییر می‌کند، پس مباحث احساسی چه می‌شود؟ در احادیث ما همه‌ی این کارکردها مورد اشاره است؛ در بعضی از احادیث گفته می‌شود که این موجب رزق شماسست، این همان دیدگاه اقتصادی است. در بعضی روایات می‌فرماید بوی این فرزند بوی بهشت است، این فرزند موجب روشنی چشم شماسست، این دیدگاه امنیتی مسأله است. در حوزه امنیت اجتماعی خداوند متعال می‌فرماید به عزت و جلالم جامعه را به خاطر گناهان عذاب می‌کردم مگر به خاطر این پیران

فرزند بینگتر
آینده بهتر

سال: ۱۴۲۰



باز تو رفتی
داستانهای تخیلی
فوندری؟؟

خانم اجازه
خاله، دایی، عمه و عمو
چی هستن؟!؟

۷- ذکر منبع و سند مطالب

نکته دیگری که در اقناع مخاطب بسیار مهم است، ذکر منبع و سند می‌باشد. خیلی از مسائلی که مطرح می‌شود با آن برخورد علمی می‌کنند، یک نظریه منسوخ شده مالتوس که در دانشگاه‌های غرب هم مورد بحث نیست و متعلق به موزه تاریخ هست این را استناد قرار می‌دهند و یک چیز می‌گویند.

مباحثی که می‌خواهید بگویید مانند مباحث اقتصادی باید مستند گفته شود. یعنی در مستندات خود مثل خبرهای جمعیت‌شناسان یا آمار سازمان ملل در مورد ایران هر چه که هست را بطور دقیق مورد استفاده قرار دهیم، حتی هنگامی که در مورد منابع دینی صحبت می‌کنیم وقتی کتاب باشد و خود حدیث را نشان دهیم اثر بخش‌تر است تا اینکه ترجمه را بگوییم.

بنابراین یکی از روش‌های اقناع، بحث آمار است و بحث‌های آماری بحث‌های روشنی است.

یک بحثی حضرت آقا فرمودند که اگر نتوانید نخبگان را اقناع بکنید کار پیش نمی‌رود، شما حتما باید برای نخبگان جلسه داشته باشید. برای نخبگان بحث‌های

رُكْع و كودكان رُضِع، یعنی همین شیرخوارگان. بالاتر از همه این‌ها کلام پیامبر است که فرمودند: «أَبَاهِي بِكُمُ الْأَمْرُ، أَكَاثِرُ بَكْرِ الْأَنْبِيَاءِ»، تا جایی که معلوم است درک مسئله برای یک عده‌ای مشکل است که حضرت می‌فرماید: «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي» آیا نمی‌دانید این برای من موجب مباهات است؟! یعنی همین واژه «به خاطر من» این یک بحث عاطفی است. مگر ما نمی‌گوییم به خاطر امام حسین (علیه السلام) بچه‌مان را دادیم؟! خُب اینجا هم به خاطر پیامبر یک بچه داشته باشیم. بیان نکات احساسی و عاطفی بسیار مهم هست و اگر کسی خوش ذوق باشد و بتواند در آیام محرم گریزی بزند بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

علمی و مستندتر لازم است. برای نخبگان خوب است میزگرد برگزار کنید، یعنی یک متخصص بهداشت بیاید، یک پزشک هم بیاید و بحث بصورت علمی پیش برود.

در استفاده فرمایشات مقام معظم رهبری نیز چند روش هست، در جمع متدینین حتماً باید عین جملات خوانده شود، جملات زیادی حضرت آقا دارند که اثرگذار هستند و می‌تواند ما را از بحران‌ها نجات دهد، چون قشر متدین تبعیدی عمل می‌کنند.

در قشر خاکستری ابتدا باید مطالب تحلیل شود، مستندها گفته شود بعد فرمایشات حضرت آقا گفته شود.

برای نخبگان هم ابتدا مسائل علمی و بعد تحلیل‌ها گفته شود، بعد روی قسمت‌هایی از فرمایشات حضرت آقا کار شود و به مردم گفته شود.


۸- پایین آوردن سطح انتظارات از مردم

نکته دیگر اینکه نمی‌شود سطح انتظار از مردم را بالا برد. الآن بسیاری از جوانان فرزند ندارند، جدا از ۲۰ درصدی که عقیم هستند خیلی‌ها فرزند نمی‌خواهند.

اگر یک‌دفعه بگوییم شش فرزند بیاورید، اینگونه مطرح کردن نمی‌تواند همه را اقناع کند. مقام معظم رهبری در یک جمع‌های خاصی اینگونه فرمودند ولی در سیاست‌هایی که به سران دادند فرمودند بالاتر از سطح جایگزینی یعنی ۲/۱ باشد.

اما از آنجا که عده‌ای از مردم اساساً فرزند نمی‌آورند و بخشی عقیم‌اند بنابراین سایرین و متدینین باید جور آن‌ها را بکشند.

ولی با همین سیاست که آن‌هایی که تک‌فرزندند دو فرزند بیاورند، دو فرزندی‌ها سه فرزند و غیره باید به تدریج روی مسئله کار کرد.



امام خمینی:
مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می گویند
جمعیت دارد، وسعتش آنقدر است که برای
صد و پنجاه میلیون تا دویست میلیون
جمعیت کافی است. یعنی اگر دویست
میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به
رفاه زندگی می کنند.

۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸
سخنرانی در جمع نمایندگان مردم بحرین و پاکستان

امام خامنه ای:
من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، میتواند صد و پنجاه
میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر
اقدام و تدبیری که میخواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام
بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد!

۱۶ مرداد ۱۳۹۰
بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران

کنترل جمعیت، بعد از صد و پنجاه میلیون

۹- توجه به شبهات اقتصادی

شبهات اقتصادی که در بحث مطرح می‌کنند شامل نکات مختلفی می‌باشد.

برخی می‌گویند اول باید روی مسائل اقتصادی کار کنیم بعد سراغ افزایش جمعیت برویم! بسیاری از افراد توجه ندارند که با کاهش جمعیت آینده اقتصاد خود آن‌ها نابود می‌شود. فعلاً دارند حقوق بازنشستگی می‌دهند، در حال حاضر ۶ نفر شاغل که این‌ها همان متولدین ۵۵ تا ۶۵ هستند به بیمه پول می‌دهند و یک نفر بعنوان بازنشسته می‌گیرد. در آینده چون جمعیت جوان تبدیل به یک پنجم شده، یک نفر به بیمه پول می‌دهد ولی ۵ نفر حقوق بازنشستگی می‌خواهد. با این صورت خود شما در سنین بزرگسالی تحت حمایت دولت نیستید، تحت حمایت فرزند هم نیستید، شما برای راحتی تان بچه دوم نداشتید. مگر می‌تواند یک بچه پدر و مادر پیر را جمع کند؟ نکته دیگر اینکه آخرین نظریات نظریه پردازان مباحث اقتصادی باید ذکر شود.

ما در مسائل پایه‌های اقتصادی از کشورهای مطرح دنیا هستیم، اما بحث سر توزیع ماست، بحث سر نکات

سبک زندگی ماست. مثلاً شبهه مطرح می‌کنند با عنوان مسئله آب که ما کمبود آب داریم و غیره. خوب ما بیش از دو برابر میانگین جهانی آب مصرف می‌کنیم، حدود سه برابر میانگین جهانی در مصارف کشاورزی آب مصرف می‌کنیم. در بنزین چند برابر سطح جهانی مصرف می‌کنیم، در مصرف نان سه برابر فرانسه مصرف می‌کنیم. در عموم مباحث انرژی و تغذیه چندین برابر میانگین جهانی مصرف داریم. هیچ جای دنیا اینگونه نیست که با آب تصفیه شده مصارف شستشو را انجام دهند، در چین سه نوع آب دارند که برای هر سه باید کارت شارژ کنند. یعنی مسائل سبک زندگی باید برای مردم در زمینه مصارف اقتصادی گفته شود.

خدا می‌گوید: «الرِّضْفُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِبَالِ». می‌فرماید: به خاطر دعای شما و به خاطر استغفار شما باران می‌دهم «يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»، اما ما این مطالب را از بحث اقتصادی کنار گذاشتیم، این مباحث باید در مباحث اقتصادی گفته شود.

۱۰- تأثیر تعدد فرزند در مباحث تربیتی

یک نکته دیگری که هست و حزب‌اللهی‌ها مطرح می‌کنند این هست که می‌گویند در این دوره و زمانه با این بحث ماهواره و اینترنت و امثال این‌ها همان بهتر که یک بچه هم نداشته باشیم! اولین مسئله این است که تنبلی خودمان را به نام دین تمام نکنیم، ریشه این حرف رفاه‌طلبی است. مثل دیگران می‌خواهیم راحت باشیم لذا بچه نمی‌خواهیم. ۵۰ درصد ریشه تربیتی به ذات والدین برمی‌گردد «السَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمَّه». در تحقیقات خارجی‌ها در مباحث ژنتیک نتیجه‌گیری شده که طرز نگرش مذهبی والدین حتی بچه‌ای که وارد خانواده دیگر شده یعنی والدین خودش را هم نمی‌شناخته در شکل‌گیری نگرش‌های دینی بچه اثرگذار است.

نکته دیگر در مباحث تربیتی این است که اساساً خود تک‌فرزندی و فرزندکمتار از عوامل تخریب در بحث تربیتی است، حدود ۸ اختلال است که وقتی مادری بچه‌اش را به کلینیک مشاور می‌آورد و راهکار و درمان می‌خواهد، راهکاری جز خواهر و برادر عبور از تک‌فرزندی برای درمان نیست.

نکته دیگر اینکه شما خودتان در مسئله تربیتی سبک تعریف کنید، شاید بعضی‌ها بگویند ما نمی‌توانیم فرزندانمان را مدرسه غیرانتفاعی ببریم تا در مسائل تربیتی دچار آسیب نشود؛ اصلاً نیازی به مدرسه غیردولتی نیست، خود والدین روزی یک ساعت با بچه کار بکنند، برای تماشای تلویزیون فرزندان برنامه بگذارند، خود والدین با بچه‌بازی کنند، لازم نیست که پیوسته شبکه پویا را ببیند. اینکه یک اینترنت و ایرلس بگذارید و به دخترتان هم یک لپ‌تاب بدهید آن هم در اتاق خوابش، حُب مهارت استفاده از اینترنت را یاد می‌گیرد و بدیهی است که در تربیت فرزند اثر می‌گذارد.

نکته دیگر اینکه ما موافق رشد بی‌رویه جمعیت نیستیم ولی اساساً فرزند بیشتر موجب همانندسازی و موجب افزایش صله‌رحم است.



۱۱- ایجاد کار شبکه‌ای برای تأثیر گذاری فراگیر

یکی از راهکارها و مقوله‌های اصلی، شبکه‌سازی است. یعنی شما اگر بخواهید تنها در یک مسجد کار کنید باید خیلی کار کرد و بسیار زمان بر است. شبکه‌های مختلف هیأت‌ها را بیاورید، یک جمع‌هایی را بیاورید و کار گروه‌هایی را به‌عنوان مربی بخصوص برای خانم‌ها تربیت کنید، یعنی اگر شما اذهان همه‌ی مردها را تغییر دهید باز هم نتیجه تابع اخس مقدمات است، یعنی تا وقتی خانم نخواهد نمی‌شود مسئله را پیش برد، چون بار این مسئله، بار روانی و خفت و گرفتاری این مسأله بر دوش خانم‌هاست لذا باید برای خانم‌ها کار کرد و علاوه بر تأمین نیازهای عاطفی بانوان، برای آن‌ها شبکه و تشکل‌های مردمی درست شود و محور این حرکت اجتماعی باید روحانیون باشند.

والسلام

چون فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی،
حرف اول را می‌زند؛

باید فرهنگ‌سازی بشود

که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است؛
با اینکه حالا گفته شده، ما هم گفته‌ایم، دیگران هم گفته‌اند، در مجلس
هم مطرح شده، بعضی‌ها هم کم و بیش اینجا و آنجا بحث می‌کنند،
لکن کار فرهنگی به معنای صحیح انجام نگرفته.

سید علی خامنه‌ای، ۶ آبان ۱۳۹۲



ستاد مرکزی ایران جوان
۰۵۱ - ۲۸ ۵۵ ۸۸ - ۰۱۴



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.15422.org
info @ 15422.org